

اجتماعی کردن، حائز اهمیت بسیار است، زیرا بدون تلاش برای یادگیری ایجاد می‌شود و والدین ویا حتی خود کودک از این فرایندها آگاه نیستند. درحقیقت کودکان غالباً از رفتاری تقلید می‌کنند که والدین چندان تمایلی به آموختن آن به کودک ندارند. به طور مثال کودک پنج تا شش ساله‌ای که انگشت خود را اشتهاً با چکش می‌کوبد و بعد شروع می‌کند به ناسزا گفتن، درحقیقت از دیگران تقلید کرده است.

مطالعات انجام گرفته در این زمینه، این پیش‌بینی نظری را تأیید می‌کند که کودکان بیشتر تمایل دارند با والدینی که گرم و مسلط بوده، کنترل امور را در دست داشته باشند، همانندسازی کنند. برای مثال این تحقیقات نشان داده است که کودکان، بیشتر به والدینی

همانندسازی چیست؟

در شماره قبل ضمن ارائه نظریات برخی از روان‌شناسان در باره همانندسازی، به بررسی عوامل مؤثر درهمانند سازی، تفاوت تقلید و همانندسازی و الگویابی جنسیتی پرداختیم. اینک ادامه مقاله از نظر خوانندگان گرانقدر می‌گذرد.

همانند سازی با والدین

والدین از طریق آموزش مستقیم و نیز با مثال آوردن، فرزندان خود را اجتماعی بار می‌آورند. فرزندان نیز بسیاری از رفتارها و خصوصیات اجتماعی، اخلاقی، انگیزه‌ها، نگرشها و ارزشهای والدین خود را از طریق فرایندهای تقلید و همانندسازی کسب می‌کنند. باید توجه داشت که این فرایندها، بخصوص از لحاظ



برادران بزرگتر همانندسازی می‌کنند و کمتر پیش می‌آید که بزرگترها با کوچکترها همانندسازی کنند.

همانندسازی با همسالان

همان طور، که می‌دانید همسالان و به تعبیر دیگر، دوستان در رشد روانی و اجتماعی بیشتر نوجوانان نقش عمده و مهمی را ایفا می‌کنند. البته در عین حال این مسأله حائز اهمیت است که نقش همسالان را بیش از حد بزرگ جلوه ندهیم و به عبارت دیگر همه چیز، از تغییر در معیارهای اجتماعی و جنسی گرفته تا اعتیاد نوجوانان و بزهکاری آنان را به همسالان مربوط نسازیم.

کنش متقابل با همسالان همان تأثیراتی را در نوجوانان دارد که در کودکان خردسال ممکن است داشته باشد، ولی روابط با همسالان در سالهای نوجوانی بیش از سالهای کودکی می‌تواند زمینه‌ای برای روابط در دوران بزرگسالی باشد. درحقیقت نوجوانان بیشتر از کودکان خردسالتر متکی به روابط با همسالان هستند. این امر به دلیل آن است که پیوندهای عاطفی نوجوانان با پدر و مادرشان سست‌تر از کودکان خردسالتر است.

عده‌ای عقیده دارند که ارزشهای پدر و مادر با همسالان در تضاد است و به همین خاطر از نفوذ پدر و مادر در دوران نوجوانی کم می‌شود. ولی از نظر نوجوانان در میان ارزشهای همسالان و پدر و مادر، نقاط مشترکی وجود دارد و این نقاط مشترک به دلیل وجود شباهت در زمینه فرهنگی‌شان است. در بسیاری موارد، تفاوت بین ارزشهای پدر و مادر با همسالان

شباهت دارند که دارای گرمی بیشتری هستند. کودکان از والدینی که در روابط زناشویی و یا در ارتباط با فرزندان خود مسلط و با قدرت هستند، تقلید می‌کنند. همچنین در خانواده‌هایی که قدرت در حالت عدم تعادل است، یعنی یک طرف همیشه تصمیم می‌گیرد و دیگری را به دنبال خود می‌کشد، کودکان غالباً از پدر یا مادر مسلط تقلید می‌کنند.

همانندسازی و تقلید ممکن است تأثیرات دراز مدت و یا تأخیری داشته باشد. به عبارت دیگر تا زمانی که کودک بزرگ شده، خودش پدر یا مادر شود و شغلی داشته باشد، نقش این تأثیرات آشکار نمی‌گردد.

همانند سازی با خواهران و برادران

هرچند که ممکن است کودکان نسبت به یکدیگر حسادت داشته باشند و دست به رقابت بزنند، اما مطالعات مشاهده‌ای اخیر نشان داده است که خواهران و برادران وقت زیادی را صرف کنش متقابل و همانندسازی با یکدیگر می‌کنند. کودکان خردسالتر غالباً با کودکان بزرگسالتر همانندسازی می‌کنند. در این مطالعات مشاهده شد که خواهران و برادران بزرگتر در مورد خواسته‌ها، تمایلات، علائق و احساسات خواهر یا برادر کوچکتر از خود اظهار نظر می‌نمایند و حالات روانی آنها را درک می‌کنند. البته روابط دوستانه بین خواهران و برادران همجنس بیشتر از خواهران و برادران غیر همجنس است و در نتیجه پسران بیشتر با برادران خود و دختران عمدتاً با خواهران خود همانندسازی می‌کنند. باید توجه داشت که غالباً خواهران و برادران کوچکتر با خواهران و



در اینجا ذکر این نکته نیز لازم است که تجربیات روانکاوی نشان می‌دهد به رغم آنچه خود جوانان می‌پندارند، طغیان دوره بلوغ صرفاً از ناشکیبایی در مستقل شدن از والدین و به دست آوردن حقوق و امتیازات بیشتر ناشی نمی‌شود، بلکه فرد نوبالغ در سطوح ناخودآگاه زیرین ذهن خود احساس رقابتی نهفته با پدر و مادر خویش دارد (پسر با پدر و دختر با مادر).^۱

همانند سازی با معلمان

احساسات نوجوانان در مورد معلمانشان به عوامل متعدد و پیچیده‌ای بستگی دارد. زیرا همچنانکه گرایش و وجهه نظر معلم با نیازهای شخصی او تعدیل و تغییر می‌یابند، نیازهای نوجوانان نیز احساسات آنها را نسبت به معلمانشان تعیین می‌کند. در حقیقت طبیعت و تجربه نوجوانان در ارتباط آنها با معلمان، مؤثر و

ممکن است بزرگ بنماید، ولی سطحی است. بسیاری از نوجوانان علاقه دارند که خود را از نظر زبان، بیان واژه‌ها، رفتار و کردار، طرز لباس پوشیدن و دیگر خصایص، با ارزشهای گروه همسالان هم‌رنگ و هم‌نواکنند. در بین آنان معمولاً نوعی قانون نانوشته وجود دارد که کارهای زشت و بد را از کارها و چیزهای خوب و زیبا و پذیرفتنی متمایز می‌سازد که در بعضی اوقات و یا غالباً با قانونهای بزرگسالان تعارض پیدا می‌کند. در این هنگام نوجوان چاره‌ای جز این ندارد که اختلافهای شدید خود را با بزرگسالان و یا خانواده حل کند تا اینکه مورد تأیید هر دو دسته قرار بگیرد. البته باید توجه داشت که بزرگسالان یا به عبارت دیگر پدران و مادران باید در این مواقع از هرگونه درگیری و کشمکش خودداری کنند، تا اینکه نوجوان بهتر بتواند این مشکل را از سرراه خود بردارد و روابطش با خانواده کمتر به تیرگی بگراید.

خاطر می شود.

به طور خلاصه هر معلم ورزیده و شایسته می داند که هرگونه سستی و گسستگی ارتباط میان او و دانش آموزان، در نتیجه عجز و ناتوانی او در این زمینه است. به همین خاطر یک معلم باید در ارضای نیازمندیهای دانش آموزانش کوشا باشد.

همانند سازی با پیشوایان مذهبی

همان طور که می دانید پیشوایان مذهبی یکی از مراجع قدرتمند و پرجاذبه در همانندسازی و تقلید نوجوانان به شمار می آیند و به عبارت دیگر در رشد اخلاقی، روانی و اجتماعی آنان سهم بسزایی دارند. نوجوانان می توانند بسیاری از نیازهای روانی و اجتماعی خود را از طریق مذهب مرتفع سازند، زیرا ایمان و اعتقاد به امور مذهبی یکی از مهمترین منابع قدرت، شهامت و ضامن موفقیت و پیشرفت نوجوانان در کارهایشان است. بقیه در صفحه ۴۱

مهم است. نوجوانان علاقه مندند که احساسات و عواطفی را که نسبت به والدینشان دارند، به معلمان خود انتقال دهند. به عبارت دیگر اگر نوجوانان نسبت به والدین و بزرگسالان محیط خویش رنجیده خاطر شوند، به معلمان خود نیز بدگمان خواهند شد.

البته گرایش نوجوان نسبت به معلمان خود از عناصر و عوامل گوناگون منشاء می گیرد؛ مانند رفتار معلم با او، عقیده و دیدگاه دوستانش نسبت به معلم، تجارب نوجوان با معلمان قبلی خود، انعطاف پذیری معلم و به طور کلی هرگونه تجاربی که قبلاً با بزرگسالان دیگر داشته اند. اما شاید بتوان گفت مهمترین عامل در گرایش نوجوان نسبت به معلم، روشی است که معلم برای ارضای نیازهای نوجوانان در پیش می گیرد. نوجوانی که در خانواده مورد غفلت قرار می گیرد، به جلب نظر و توجه معلم نیازمند است و آن را ضروری می داند. نوجوانی که بسیار حساس است سرعت از یک اشاره توییح آمیز معلم در کلاس، ناراحت و پریشان



تکنولوژی کلب

توسعهٔ اقتصادی اجتماعی و فرهنگی

کنجکاوی و انگیزهٔ پی بردن به راز و رمز ناشناخته ها ، یک خصلت فطری انسان است و در هر زمان ، برای انسانهای هر نسل ، مسائل و مشکلاتی مطرح خواهد بود که برای حل آنها ناگزیر از دستیابی به ابزار جدید است و این مفهوم یعنی "روندبسی و قفقهٔ پیشرفت تکنولوژی".

که جهان امروز برای شناخت و ارزیابی رشد و توسعهٔ فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی مطرح کرده است ، ناممکن خواهد بود .

تکنولوژی برای گسترش آموزش و پرورش ، آموزش عالی ، بهداشت و درمان و ... نقش بسیار مؤثر ، کارساز و انکارناپذیر دارد . با کاربرد تکنولوژی و وسایل پیشرفتهٔ کمک آموزشی از جمله : تلویزیون ، ویدئو ، میکروسکوپ ساده و الکترونیکی ، دستگاههای آموزش فیزیک ، وسایل آزمایشگاهی و ...

بدون بهره گیری شایسته از تکنولوژی ، پیشرفت جامعه ناممکن خواهد بود ؛ زیرا تمام مسائل انسان و جامعه به کمک تکنولوژی ، بهتر ، آسانتر و سریع تر برطرف می شود و بر این اساس می توان گفت : پیشرفت فرد و جامعه در هر زمینه بستگی بسیار به کاربرد تکنولوژی دارد و بدون بهره گیری شایسته و کارساز از تکنولوژی ، پیشرفت علمی ، فنی ، صنعتی ، اقتصادی و حتی فرهنگی جامعه ، بامعیاریایی



دردسترس انسان قرار داده است .

کشورهای بزرگ صنعتی جهان هیولاهای مالی و صنعتی پر قدرتی هستند که الگوی توسعه غالب کشورهای روبه رشد را نیز در راستای منافع دراز مدت خود شکل می دهند و بر آنها تحمیل می کنند . چنین است که هم جنگ و هم توسعه هر دو می تواند تحمیلی باشد و اکنون اصلی ترین ابزار این تحمیل ، تکنولوژی پیشرفته است .

باشناخت اهمیت تکنولوژی و برخی از موارد کاربرد آن ، شناسایی ماهیت و مفهوم باشناخت اهمیت تکنولوژی و برخی از موارد کاربرد آن ، شناسایی ماهیت و مفهوم آن نیز ضروری می نماید . پس از آن چگونگی دستیابی به تکنولوژی پیشرفته و شرایط انتقال آن مطرح می شود .

تکنولوژی رامی توان مجموعه امکانات گوناگون و گسترده ای دانست که فرایند کار ، تلاش ، دانش و تجربه تمام نسلهای انسان

در مدرسه و دانشگاه ، امکان آموزش دانش آموز و دانشجو را می توان بسیار بالا برد . به عبارت دیگر ، بدون بهره گیری از این ابزارها و امکانات آموزشی ، رشد و توسعه بامعیاریایی که اکنون در جهان مطرح است ، ناممکن خواهد بود . به عبارت دیگر با توجه به پیشرفت تکنولوژی در کشورهای صنعتی و پیشرفته ، این سؤال مطرح است که آیا می توان مسائل و قوانین فیزیک ، شیمی ، ریاضی و علوم طبیعی را فقط با کتاب و معلم یعنی تنها از راه "تئوری" آموزش داد ؟

امکانات کاربرد تکنولوژی در آموزش و پرورش و دانشگاه آن قدر گسترده ، پرمایه و گوناگون است که شناخت آنها بدون بررسی کارشناسان و متخصصان ، امکان پذیر نیست . بطور کلی می توان گفت که تکنولوژی ، جهان امروز را به جهسان شگفتیها تبدیل کرده و کارآمدترین امکانات را برای پی بردن به ناشناخته ها و کشف راز و رمزهای آفرینش

درهه گستره جهان است. پس می توان گفت که میزان بهره گیری از این مجموعه امکانات در سراسر جهان نیز به اندازه کار، تلاش، دانش و تجربه هر جامعه بستگی دارد.

بر اساس این تعریف، تکنولوژی ابزار کار سازی است که با فزونی تجربه و دانستیهای انسان، برای بیشتر شدن سرعت کار و پژوهش و نیز بهره گیری دقیق تر، سنجیده تر و مناسبتر از ابزار، روز به روز تکامل یافته و پیچیده تر شده است.

به گفته گروهی از جامعه شناسان، انسان با تکامل ابزار، تکامل یافته است. منظور، بیان نقش تکامل ابزار در تکامل فکر و اندیشه است. از یک سو با تکامل ابزار، اندیشه، دانش و تجربه انسان روبه تکامل می رود و از سوی دیگر همین انسان اندیشمند و پژوهشگر در هر زمان، سازنده ابزار پیچیده و پیشرفته تری است که برای حل مسائل و مشکلات خود به

کار برد آنها نیاز دارد.

تکنولوژی، در جهان پیشرفته امروز، همان گنج پرارزشی است که نوع بشر پس از قرنهای تلاش برای دانستن و کاربرد دانشها برای زندگی بهتر و آسائتر، اکنون به دست آورده است و سرانجام در یک کلام می توان گفت که تکنولوژی دستاورد دانش است.

می دانیم که علم را " زبان واقعیتها " توصیف کرده اند. به عبارت دیگر علم انسان را از فراز و نشیب هستی آگاه می کند و راه حل مشکلات را به او نشان می دهد. اما اکنون دیگر مانند چند قرن پیش، علم را تنها در لابلای صفحات کتابها نمی جویند، بلکه " تکنولوژی " یعنی " همان دستاوردی که برآیند مجموعه دانشهای بشر است "، اکنون خود وسیله ای بسیار ضروری برای بیشتر دانستن و افزودن برگزیده دانش انسان است.

در شرح اهمیت تکنولوژی برای جامعه ما



می توان گفت: وقتی که قرار است کاربرد دانش و تکنیک بار دیگر جهان را متحول کند، ما که خود رادر راه رشد و توسعه می دانیم و مدام از ضرورت تحقق هدفهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن داد سخن می دهیم، چگونه می توانیم نقش تکنولوژی رادر تحول و توسعه جامعه خود خصوصاً با توجه به تغییر نظام آموزشی، نادیده بگیریم و همه ابعاد و مفاهیم آن را نشناسیم؟! شواهد بسیار این موضوع را ثابت می کند که کلید توسعه ملی، تکنولوژی است. به این ترتیب می توان به راز توانمندی فزاینده کشورهای صنعتی پی برد.

رشد سریع تغییرات در زمینه نیازهای اجتماعی در چند سال اخیر، بررسیهای گوناگونی را ایجاب کرده است. نتایج به دست آمده از پژوهشهای آموزشی نشان می دهد که دستاوردهای آموزشی، از نظر زمانی، دچار عقب ماندگی روز افزونی است. یگانه راه حل موجود، توسعه همه جانبه آموزش و پرورش است. نیازهای متغیر و ثابت روز افزون اجتماعی، مستلزم توسعه مداوم در کارمدرسه است (شکی نیست که پیشرفتهای علمی و فنی، این امر را امکان پذیر می کند و شرایط لازم را برای آن فراهم می آورد).

همگام با تغییر شرایط اجتماعی، باید برنامه ها، روشها و وسایل آموزشی نیز دگرگون شوند. و نیز بساید این واقعیت را پذیرفت که دیگر عصر معلم، به عنوان یگانه قادر مطلق و تنها نیروی صاحب اقتدار یاد دهی، به سر آمده است. هنوز هم شناخت عدّه زیادی از معلمان از تکنولوژی آموزشی، همان وسایل

سمعی و بصری یا کمک آموزشی است. در حالی که اطلاع از مفهوم جدید تکنولوژی آموزشی مستلزم مطالعه و آشنایی با سیر تحول، اصول و مبانی تکنولوژی آموزشی، نظریات تدریس - یادگیری، تحلیل هدفهای آموزشی، کارآیی و جایگاه رسانه ها در امر آموزش است. کسب چنین دانشی معلمان را قادر می سازد تا آگاهانه هدفهای آموزشی را تحلیل کنند، از تکنیکها و رسانه ها به درستی بهره گیرند و نظم خاصی را در اجرای برنامه های آموزشی رعایت نمایند. یعنی معلم می تواند همه فعالیتها و عوامل مؤثر در یادگیری را با توجه به تفاوتهای فردی دانش آموزان، در قالب برنامه ای منظم و منسجم طرح ریزی کند.

این نگرش کلی و علمی که در آن تمام عوامل آموزشی، به منظور افزایش کیفیت یادگیری، به طور مرتبط، هماهنگ و نظامدار طراحی می شوند، مفهوم جدید تکنولوژی آموزشی را تشکیل می دهد. باید دانست که هر تعریفی که از تکنولوژی آموزشی به عمل می آید، حداقل دو مفهوم را دربر می گیرد:

الف - مفهوم فیزیکی (رسانه ها - دستگاههای سمعی و بصری - وسایل کمک آموزشی) است. هدف از مفهوم فیزیکی تکنولوژی آموزشی، استفاده از وسایل و دستگاههای سمعی و بصری به عنوان عامل کمکی و تسهیل کننده تدریس است. به طوری که معلم مطالب درسی را بهتر و راحت تر ارائه می دهد و در وقت کلاس صرفه جویی کرده، می تواند بابت بهره گیری از این وسایل در امر آموزش، جاذبه ایجاد نماید.

ب - مفهوم رفتاری (طراحی منظم فرایند

تدریس - یادگیری است) که همان مفهوم نگرش سیستماتیک در آموزش می باشد، شامل تعیین هدفهای آموزشی است، به گونه ای که رفتار دانش آموز پس از آموزش قابل مشاهده و اندازه گیری باشد. معلم و دانش آموز هر دو باید قبلاً از انتظارات آموزشی هر مبحث درسی مطلع باشند. این انتظارات ممکن است در حیطه شناختی، عاطفی و یاروانی - حرکتی باشد. دومین مورد در زمینه مفهوم رفتاری اینکه، تجارب و فعالیتهای آموزشی باید در جهت نیل به هدفهای آموزشی و برپایه تفاوتهای فردی دانش آموزان تنظیم شود و معلم، روشهای مناسب و رسانه های مؤثر برای آموزش را انتخاب کند.

سومین قسمت از مفهوم رفتاری تکنولوژی آموزشی این است که روشهای ارزشیابی باید مشخص شود (به منظور اطلاع از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و کارایی برنامه های طراحی شده).

توجه به امر یادگیری به این سبب است که یادگیری، کلید اساسی شناسایی رفتار آدمی است و از طرف دیگر، محور کلیه فعالیتهای تکنولوژی آموزشی را تشکیل می دهد. بدون شک فرایند یادگیری، فرایندی فعال است و تغییر در نگرش، دانش و مهارت فرد، یکی از دستاوردهای آن است. می دانیم که به طور معمول محرکهای بی شماری بر یادگیرنده تأثیر می گذارند و کنترل و مشخص کردن محرکها در کلاس درس و یاسایر موقعیتهای یادگیری وظیفه اساسی "تکنولوژی آموزشی و تربیت" است که از آن به تعبیر دیگری تحت عنوان "مهندسی یادگیری" هم صحبت می شود.

در این میان، رفتارهایی که انتظار داریم، شناسایی می شوند و بازدههای یادگیری، نه خود فرایند یادگیری، به صورت جمله هایی بانسانه - های قابل مشاهده از تغییر رفتار تدوین می - گردند. در واقع، این نشانه ها که وقوع یادگیری را معلوم می کنند، همان هدفهای رفتاری هستند. وقتی محیط یادگیری سبب تغییر مؤثر در عواطف، علائق و داوریهای ارزشی شود، فعالیت یادگیری به نتایج استواری می رسد. روش نگارش جمله های دقیق به صورت هدفهای رفتاری این امکان را فراهم می سازد که محرکهای مؤثر بر تغییر رفتار مشخص شوند.

لذا در می یابیم که آموزش یک فن است، یک تکنولوژی است و باید از علم بهره مند شود. اگر آموزش برپایه های علمی استوار نباشد، هرگز به صورت فعالیتی ثمر بخش و مؤثر در نخواهد آمد و همیشه به شکل کاری بی نظام و آشفته باقی خواهد ماند. وظیفه روان شناسی (خصوصاً روان - شناسی پرورشی) این است که باتکیه بر پژوهشهای علمی به کشف و ابداع تکنولوژی و اصول و فنون سودمند تدریس اقدام کند تا بتواند تجهیزات لازم را برای افزایش میزان یادگیری دانش آموزان و دانشجویان در اختیار معلم قرار دهد. حال که هدف واقعی تکنولوژی آموزشی، افزایش کیفیت یادگیری است، به اهمیت یادگیری و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی انسانها پی می بریم. زیرا اگر قوه یادگیری به عللی از آدمی سلب شود، او در برخورد با افراد و شناخت طبیعت، مانند یک کودک رفتار خواهد کرد و در این حالت،

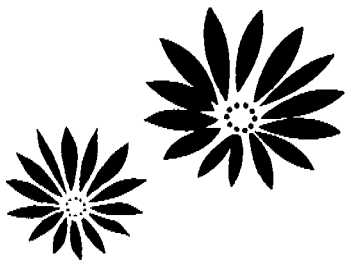
وقواعد آن در تربیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، برنامه ریزی درسی و تهیه مواد آموزشی بهره‌گیرند، نیل به تحقق هدفهای آموزشی آسانتر خواهد بود. به همین دلیل است که افزایش کیفیت یادگیری، هدف و محور اصلی فعالیتهای تکنولوژی آموزشی قرار گرفته است.

جامعه ما اکنون بیش از هر وقت دیگر نیازمند افرادی متخصص، متعهد، آگاه به علوم و تکنولوژی نو و نیز آشنا به اصول مدیریت جدید می‌باشد، تا چنین افرادی با اتکاء به نیروی ایمان و تقوا بتوانند جامعه پویای ایران اسلامی را در مسیری که در نهایت منجر به قطع تمام وابستگیهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و صنعتی شود، به پیش برانند.

آموزشهای فنی و حرفه‌ای باید به عنوان محور و عامل توسعه در کشور شناخته شوند و این مهم در برنامه‌ریزیهای توسعه مورد توجه کامل قرار گیرد. توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور در جهت خودبستگی و رفع وابستگیهای تحمیلی باید با تدوین برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای که محتوا و شیوه‌های آنها در جهت رفع نیازهای واقعی کشور و بهره‌برداری مطلوب از منابع طبیعی و انسانی طراحی شده‌اند، آغاز شود.



نخواهد توانست با هموعان خود ارتباط برقرار کند. و از آنجا که توانایی ذهنی بتدریج و در سایه یادگیری قوام می‌پذیرد، این فرد رشد قوه تفکر و تعقل خود را نیز از دست نخواهد داد. از این رو جای تعجب نیست که علمای روان‌شناسی و علوم انسانی یادگیری را کلید اساسی شناخت رفتارهای آدمی می‌دانند و اکثر تجربیات و تحقیقات خود را به مباحث یادگیری معطوف می‌سازند. نقش یادگیری در زندگی فردی و اجتماعی، آن هم با چنین بعد عظیمی، ایجاب می‌کند که در فعالیتهای آموزشی و تربیتی به اصول و مبانی آن از طرف معلمان توجه خاصی بشود. چنانچه معلمان این اصول و مبانی را درست بشناسند و بجا از یافته‌ها



تلویزیون، کامپیوتر، ماهواره و خلاصه به عصر تکنولوژی پیشرفته رسید، شایان تقدیر است. اما متأسفانه امروزه با این واقعیت مواجهیم که عده کثیری از مردم سراسر دنیا قادر به خواندن و نوشتن نیستند. براساس اطلاعات یونسکو تقریباً یک میلیارد نفر از مردم جهان بیسواد هستند. یعنی یک سوم از ساکنان کره زمین توانایی خواندن متون مکتوب را ندارند و اهمیت این امر از نظر آنان پوشیده است. یک فرد بیسواد ملزم به انتقال سنتی آداب و رسوم زندگی است، بدون آن که هیچ پیشرفتی داشته باشد.

در بسیاری از تحقیقات علمی به اثبات رسیده است که میان بیسوادی و فقر همبستگی مثبتی وجود دارد. حدود ۹۸٪ از کل بیسوادان دنیا در کشورهای درحال توسعه زندگی می کنند. برخی از کشورهایی که تقریباً نیمی یا حتی بیشتر مردم آن بیسوادند عبارتند از:

سودان ۷۲/۸٪، پاکستان ۶۵/۴٪، بنگلادش ۴۶/۷٪، نیجریه ۴۹/۲٪، هند ۵۴/۷٪، مصر ۵۱/۵٪، آفریقای شرقی و مرکزی ۵۰/۳٪ و ایران با ۴۶/۲٪ بیسواد بعد از آنها قرار می گیرد.^۱

توجه به تعداد زنان بیسواد در برخی از کشورها، مسأله بیسوادی را جدی تر و حادتر نمایان می سازد. از هر صد نفر بیسواد در کشورهای درحال توسعه، در حدود ۷۰ نفر از زنان و دختران هستند. مقایسه آماری از سال ۱۹۶۰، بیانگر رشد مداوم بیسوادی زنان است. در سال ۱۹۶۰ از هر صد نفر بیسواد، ۵۸ نفر و در سال ۱۹۷۰ از هر صد نفر بیسواد، ۶۰ نفر از زنان تشکیل می دادند. در سال ۱۹۸۵ از هر صد نفر بیسواد، ۶۳ نفر زن بودند و امروزه این رقم به

زنان

و

مستلیم و تربیت

نوشته: خانم دکتر آویله پاشالیچ کرسو
استاد دانشگاه ساریوو

ترجمه: صادق صالحی

تقریباً از پنج هزار سال پیش انسان توانست آنچه را که می گوید بنویسد و آنچه را که می نویسد، بخواند. بنابراین از هزاران سال پیش اجداد انسان می دانستند که چگونه به طرق مختلف، زندگی و هستی شان را به صورت رمز درآورده، رموزش را دریابند. آن کمال فرهنگی که بیانگر تجربه و دانش یک نسل و هدفش مفید بودن برای نسل بعدی است توانست بر پیشرفت کل تمدن بشری تأثیر گذارد. سواد آموزی به عنوان یک نماده اساس هرگونه آموزش منظم قرار گرفت. ابداع کتابت و قرائت که از طریق آن انسان به عصر هوابیما،



حدود ۷۰ نفر می رسد.^۲

حتی زنان تحصیل کرده از نظر میزان تحصیلات به طور بارزی پایین تر از مردان قرار دارند. این امر در کشورهای پیشرفته غربی نیز دیده می شود. این عقب ماندگی زنان در سراسر دنیا از ۴٪ تا ۳۰٪ در مقایسه با مردان متفاوت است.^۳

تغییر دهیم. (هرچند که در کشورهای غربی دختران سعی می کنند با پوشیدن شلوارهای جین و کوتاه کردن موها و پسران با بلند نگاه داشتن موهای خود، از تمایزات میان مردان و زنان بکاهند)، اما به هر حال، برحسب نقشهای جسمانی و بیولوژیکی زن، زن باقی می ماند و مرد، مرد.

آیا این تمایزات آشکار بیرونی میان زن و مرد، باعث تفاوت‌های درونی در فضای ذهنی آنان می شود؟ آیا می توانیم برخی از عقاید را بپذیریم که زنان و دختران نسبت به مردان و پسران از قوای ذهنی کمتری برخوردارند؟ از دیدگاه برخی از جدایی طلبها و جدایی طلبان محافظه کار، پاسخ هر دو سؤال مثبت خواهد بود. اما همه تحقیقات علمی و ژنتیکی تأیید می کند که بین مغز زن و مرد و نیز میان قابلیت های ذهنی مرد و زن هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد. همچنین تحقیقات و داده های

بدون انجام هرگونه تحقیقات یا مطالعات خاصی، ما می توانیم بعضی از تفاوت‌های موجود میان مردان و زنان را برشماریم. بدن زن متناسب با وظیفه مادری و تولید مثل آفریده شده و بدن مرد متناسب با انجام کارهای جسمانی سخت و نیز محافظت و دفاع از خانواده است. این تفاوت‌های طبیعی و بیولوژیکی (زیستی) مشخص کننده کارکردهای اصلی تولید مثل بوده، مبتنی بر اهداف ویژه ای است. ما نمی توانیم خصوصیات و شیوه های زیستی زن و مرد را

دید ارتقای اجتماعی، زیرا تمامی پست های سیاسی، مدیریتی و سایر پست های مهم، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، در اختیار مردان بوده، دستمزد زنان نیز همیشه کمتر از مردان است).

۴- فقدان انگیزه تحصیلی در خود زنان (زن خود در مواجهه با موانع موجود در خانواده و جامعه، از تحصیل خود داری می ورزد).

بر اساس این شناخت، می توانیم نتیجه بگیریم که بسیاری از تمایزات غیر بیولوژیکی، میان زنان و مردان ناشی از سطوح مختلف تعلیم و تربیت است که خود موجب تمامی نابرابریهای دیگر می شود.

چنانچه عقاید زنان را مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که بسیاری از آنها از پایگاه واقعی شان در خانواده و جامعه اظهار رضایت می کنند. به عبارت دیگر حتی اگر آنها بی سواد هم باشند، باز هم نیاز واقعی خود را به

تجربی زیادی وجود دارد که نشان می دهد یک زن می تواند هر سطح تحصیلی را با موفقیت مشابه مرد به اتمام رساند، و نیز می تواند هر نوع شغلی را که انتخاب می کند با موفقیت انجام دهد. امروزه، پایین تر بودن آشکار سطح تحصیلات زنان، به هیچ وجه نمی تواند به موضوع ژنتیک مربوط باشد. تمایزات فعلی میان مردان و زنان می تواند صرفاً محصولی از عوامل اجتماعی مختلف، موانع و فقدان انگیزه در زنان باشد. به عنوان مثال:

۱- فقدان انگیزه و ممانعت از تحصیل در خانواده پدری (دختران، به خاطر انجام کارهای خانه و ازدواج زودرس، از مدرسه رفتن محروم می شوند).

۲- فقدان انگیزه و ممانعت از تحصیل در خانواده شوهر (به خاطر وظایف مادری، خانه داری، تسلط شوهرها و غیره)

۳- فقدان انگیزه تحصیلی در جامعه (عدم



تحصیل ابراز نخواهند کرد.

فرزندانشان را تضمین خواهیم کرد.
بنابراین آنچه که گفته شد می توان به نتایج
زیر دست یافت:

مادر تحصیل کرده بر سطح تحصیلات
فرزندانش اثر می گذارد.

مادر تحصیل کرده از نظر خانه داری
کارآمدتر است و فرزندانی تندرست و با
تغذیه ای بهتر پرورش می دهد.

مادر تحصیل کرده زندگی شخصی مفیدتر
و مطلوبتری دارد.

مادر تحصیل کرده شانس بیشتری برای
پیوند با زندگی اجتماعی دارد.

مادر تحصیل کرده خودش را مظلوم و دارای
نقش ثانویه نمی داند.

سخن آخر اینکه کاهش بیسوادی و افزایش
سطح تحصیلات در میان زنان کشورهای در
حال توسعه، قبل از هر چیز نیازمند تصمیم گیری
اجتماعی قطعی و بسیار قوی است. در ضمن،
غلبه بر بسیاری از تعصبات فرهنگی و سنتی که
در برابر تحصیل زنان وجود دارد، ضروری می-
نماید. البته زنان نیز می بایست افکار و شیوه
نگرششان را نسبت به امر تحصیل تغییر دهند.

چرا تحصیل ضروری است؟

دستاوردهای تحصیل و آموزش برای
هر یک از اعضای خانواده، بویژه مادر، چیست؟
اگر این مقاله تا کنون نتوانسته است آنچنان که
باید فایده آموزش را بیان کند، اجازه بدهید
تأکید نمایم که:

بررسیهای علمی ثابت کرده است که سطح
تحصیلات مادر موجب برانگیختن فرزندان
می شود تا حداقل برای رسیدن به میزان
تحصیلات مادرشان، تلاش کنند. همچنین
تحقیقات مذکور نشان داده است که ارتباط بین
سطح تحصیلات مادر و فرزندان، از ارتباط بین
سطح تحصیلات پدر و فرزندان معنادارتر است.
اگر همیشه فرزندان بخواهند به سطح
تحصیلات مادر یا بالاتر از آن دست یابند،
شاید بتوانیم کلید حل مشکل بیسوادی در میان
بزرگسالان و قبل از همه مادران را پیدا کنیم. به
بیان دیگر اگر ما موفق شویم که ۱۰ یا ۲۰٪ از
مادران را در یک کشور باسواد سازیم،
خودبخود افزایش سواد آموزی میان

منابع:

- 1 - NASCIMENTO G., L AN ALPHABETISME EN CHIFFRES, UNESCO, BUREAU INTERNATIONAL D,EDUCATION, PARIS 1990, P.6 -9.
- 2 - LIND A., MOBILISER LES FEMMES POUR L ALPHABETISATION UNESCO, B.L.D., PARIS 1990, P.2
- 3 - UNESCO, EQUALITY OF EDUCATIONAL OPPORTUNITY FOR GIRLS AND WOMEN, UNESCO. PARIS 1989.

آثار روانی رنگها

در شماره قبل ضمن بررسی تأثیر رنگها در زندگی انسان، دانستیم که بارنگ آمیزی می توان ازستی و خستگی کاست، آمادگی یادگیری و فعالیت را افزایش داد و سردی و گرمی محیط را متناسب ساخت.

اینک به اختصار بارنگهای اصلی و ترکیبی و اثرات روانی آنها آشنا می شویم.

رنگ زرد

این رنگ برخلاف نظر عامه از لحاظ تربیتی و استفاده در مکانهای آموزشی حائز اهمیت فوق العاده ای است. رنگ زرد حالت گرم کنندگی دارد و روشن ترین رنگ در میان کلیه ته رنگهاست و زمانی که با خاکستری، سیاه و بنفش مخلوط شود، تمام خصوصیاتش را از دست می دهد.

زرد ترا کمی از سفیدی و رنگ خوشحالی و شادابی، نشاط و آرامش است. رنگ زرد سمبل آخرت، شگفتی، و نور خورشید (نور حیات و هستی) است و به گرمای خورشید، عروج انبیاء و شادمانی می ماند. محتوای عاطفی آن امیدواری و آزادی است، برخلاف نظر عامیانه که این رنگ را عامل تنفر می دانستند.

حس درک رنگ زرد تند و تیز است. نشان روشنی، هوشمندی و روشنفکری است؛ بنابراین



نشانگر قدرت و شکوه و سمبل عقل و علم بوده، قدرتی ملایم کننده دارد. محرک قوای دماغی است و در معالجهٔ امراض کبدی و سوء هاضمه فوق العاده مؤثر است.

برای پژوهشگران و دانشجویان خوبست که اطاق واثاثیه شان بیشتر به رنگ زرد باشد تا قوای ذهنی بهتر به کار افتد. و سرانجام رنگ زرد روی زمینهٔ قرمز پر سروصدا، باشاش و پرزرق و برق است و روی زمینهٔ سیاه نشانگر توان، نیرو و خود نمایی است.

رنگ قرمز

دومین رنگ اصلی، قرمز است. این رنگ دارای کشش و قدرت زیادی است و بشدت می درخشد. تاریکی و روشنی در آن راه ندارد. رنگی مثبت، متجاوز و مهیج است. فشارخون را بالا برده، تنفس را کاهش می دهد. کشش عضلات را بیشتر کرده، قدرت تحریک کنندگی شدیدی دارد؛ بنابراین برای افراد عصبی فوق العاده مضر است.

هنگام تغذیه فوق العاده اشتها آور است. می گویند اگر کودکان شما غذا نمی خورند یا چندان تمایلی به غذا نشان نمی دهند، از ظرفی به رنگ قرمز برای تحریک اشتهای آنها مدد بگیرید.

مزهٔ رنگ قرمز تند و شیرین است و نگاه طولانی به این رنگ عصبانیت را افزایش می دهد و در کودکان گریه را تشدید می کند. بسیار انعطاف پذیر بوده، به حالات مختلف در می آید و براحتی با دورنگ اصلی زرد و آبی قابل ترکیب است.

برای زمان کوتاهی جاذب و خوشایند است و پس از مدتی آزار و اذیت روانی به وجود می آورد و فرد را به رنگ آبی متمایل می کند.

حالت تحریک کنندگی در ذهن دارد و باعث توجه و تقویت فکر در انسانها می شود. بافهم ودانایی ارتباط دارد و نشانگر دانش و معرفت و صعود به سوی آسمانهاست.

صاحب نظران روان شناسی رنگها معتقدند، اگر زرد به مقداری آبی داشته باشد (مایل به سبز)، آن قسمت از مغز را که حالت جهش فکری دارد، تحریک کرده، افزایش میزان حضور ذهن در افراد را سبب می شود و عامل تقویت حافظه است.

این رنگ در بین مردم اهمیت خیلی کمی دارد، زیرا در ایران نشانهٔ یأس، ناامیدی و تنفر است و مخالف زندگی. شاید این امر بدان دلیل باشد که در گذشته بهداشت و طب چندان پیشرفت نداشت و مرض یرقان در ایران نیز غوغا می کرد و موجب مرگ و میر می شد و چون این مرض به زردی شهرت یافته بود، عامل تنفر مردم از رنگ زرد شد.

در چین و تمدن مسیحی، رنگ زرد نماد تقدس و فرزادگی است، تا جایی که در رنگ آمیزی کلیساها از آن استفاده می کنند و یا در تابلوهایی که جنبهٔ مذهبی دارد، بکرات دیده شده که اطراف شخصیتهای مذهبی هاله‌ای از نور زرد به کار رفته است.

رنگ زرد با تأثیر بر اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک موجب آرامش عصبی می شود، به طوری که بچه‌های عصبی را می توان در اتاقهایی با رنگ آمیزی و پرده‌های زرد و لیمویی تسکین داد.

بیانگر کار و تلاش و روزهای آفتابی است. در قرآن کریم نیز در سورهٔ بقره، آیهٔ ۶۹ آمده است: "...صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ".

امام محمد باقر (ع) به پوشیدن کفش زرد با توجه به اثرات آن فوق العاده سفارش فرموده‌اند. البته رنگ زرد در هضم غذا نیز مانند موسیقی عمل می کند و موجب سهولت عمل هضم و گوارش غذاست.

ناشکیبا و در عین حال فعال، بردبار و صبور که بوری و سردی را می‌رساند. رنگی شیرین، ساکت، امیدوارکننده و مقدس که دارای جایگاهی رفیع و نشانگر آسمان بلند و آبی است. می‌گویند این رنگ دارای طبعی زنانه و لطیف است.

رنگ آبی احترام و تقدس خاصی دارد. گنبدهای مساجد و مناره‌های آبی که به مانند پلی بین آسمان و زمین محسوب می‌شوند، نشانگر همین موضوع است.

آبی مسکن اعصاب برای بیماران تدار و مفید برای افراد کم خواب، عصبی و وسواسی است. آرامش درونی به ضمیر باطن می‌آورد، آرامبخش نبض و تنفس و مفید برای فشارخونهای بالاست. در مداوای صفرا مفید و برای افسردگی و کم خونی مضر است.

رنگ آبی ترشح غدد لنفاوی را افزایش داده، تهوع و سرگیجه را زیاد می‌کند. دارای وزنی سبک، زمانی کوتاه و مسافتی دور است. صدایی مانند نی دارد و شکلی مانند دایره. دارای عمق و کمال فراوانی است.

مطلوب افراد چاق است. تا اعماق وجود نفوذ می‌کند و دارای جنبه‌های مختلف روحی است. نشانگر اعتماد، ایمان، عشق، استواری، ایشار، تسلیم، صداقت، درستی، فداکاری، خونسردی، خلوص، قدرت، تحمل و مقاومت، وفاداری و فکری برتر و مافوق طبیعی است و از فراموشی می‌گاهد. برای کنترل اعصاب فوق العاده مفید است.

نارنجی

از ترکیب دورنگ قرمز وزرد، رنگ حد واسط

سمبلی از خون و عشق است. در جایی که عشق، محبت، صفا و گل و گیاه و زیبایی باشد، نشانگر اوج عشق و در جایی که جنگ، پستی و شیطان صفتی حاکمیت داشته باشد، اوج غضب، شهامت و خطر را می‌رساند.

نماد آتش و جاودانگی، خلق و خوی تیز و آتشین و حیات و هستی بوده، عامل مؤثر در سازندگی است. رویش گیاهان را بالا می‌برد و بیانگر شور و شوق و هیجان است. دارای وزنی سنگین، صدایی بلند و زاویه دار می‌باشد.

رنگ قرمز عامل فوق العاده مؤثری در کشاورزی و دامداری است، زیرا عمل بلع را افزایش داده، شیرگاوها را زیاد می‌کند. نشانگر فعالیت و تحرک، موفقیت و پیروزی است و محتوای عاطفی آن تمایل، اشتیاق و عشق است.

بسیار گرم و پرحرارت و خیره کننده است. تابشی پرشور از عشق روحانی است. نشانی تثبیت شده از مبارزه، انقلاب، تهور و شورش بوده، بنا به قولی هم‌رنگ ستاره مریخ است.

رنگ قرمز در درمان اسهال و استفراغ و تنگی نفس فوق العاده مؤثر است و برای افراد الکلی و دارای فشار خون بالا و عصبی مضر بوده، حتی ممکن است فرد را به خودکشی وادارد. سردرد و گریه را نیز تشدید می‌کند.

"واگنر" موسیقیدان بزرگ، آثار کلاسیک خود را زیر سقفهای قرمز اجرا می‌کرد، زیرا این رنگ بیشترین تأثیر را در خود موسیقیدان دارد و در شنونده نیز اثری عکس رنگ زرد را ایجاد می‌کند.

رنگ آبی

رنگی است صاف و روشن، همواره بی تحرک و



نارنجی به وجود می آید و از آن جا که هردوگرمند، نارنجی دارای جذابیت و هیجان زیاد است. در گوارش غذا فوق العاده مؤثر و مفید است و در عین مهج بودن، آرامبخش و مسکن می باشد. نبض بر اثر این رنگ تندتر می زند، ولی برفشار خون مؤثر نیست.

وجود این رنگ در محیط به صورت غالب، موجب تحریک چشم، مغز و اشتهاست. اثر هضم را خوب و مناسب کرده، بهبود و خوشحالی در فرد ایجاد می-کند. رنگی است که پیامبر (ص) بر آن تأکید فرموده اند، زیرا که بیانگر آمادگی و فعالیت است.

نمایشگر تداخل نور و ماده است. حداکثر گرمی و حرارت را داراست و روشن ترین رنگ در دایره رنگی است. منظره صبحگاه، طلوع خورشید و تابندگی درونی و باطنی را دارد و دارای نیروی آتشین و بلند، در عین حال پاک و آسمانی است. درخشندگی را افزایش می دهد، زیرا پرانرژی، تابان و فعال است، البته با سفید اثر خود را ازدست می-دهد.

روحدار و جذاب است و محبت و خشم را با هم دارد. بیانگر زیبایی طبیعت (طلوع و غروب، شفق، خزان و پاییز) است.

بنفش

از ترکیب دورنگ قرمز و آبی حاصل می شود و رنگ سرد و کناره گیری است. کنایه ازغم و خون، تسلیم و بی خبری، ظلم، بی اختیاری، دشواری، مرموز بودن و برانگیزاننده احساسات است. ترکیبی از تسکین دهی و هیجان دارد، ولی در حالت کلی تعیین هویت و شخصیت می کند. می تواند به معنای هم ذات پنداری و صمیمیت

و ترکیبی از تمایلات جنسی و حتی به معنای کشف و شهود باشد. به دلیل خاصیت دوطرفه قرمز و آبی، خواب آور است و در افراد کم خواب درجات خواب را بالاتر می برد. گاهی تهدید کننده، گاه تشویق کننده و گاه امید بخش است. بطور کلی رنگی مسحورکننده و افسونگر است. بیانگر دینداری و تدین، وهم و خرافات است.

دارای اشعه الکترو شیمیایی بسیار قوی است؛ به همین جهت روی قلب و ریه و ورگهای خونی مؤثر است و مقاومت نسوج بدن و فعالیت جنسی زنان را زیاد می کند.

رنگی است پیر، به همین دلیل بچه هایی که علاقه مند به پدربزرگ و مادر بزرگ هستند، به این رنگ تمایل بیشتری دارند.

"گوته" می گوید: رنگ بنفش اشاره ای است به ترس زیاد، آخرت و انتهای جهان.

هرچه تیره تر باشد نهانگاه فاجعه و مصیبت و زمانی که روشتر باشد نشانه تقدس و افسونگری و سبیل هرج و مرج است. نشانگر ستایش، عظمت و

است. بالا برنده قدرت، عقل، صبر، اطمینان و مقاومت است. حتی در پزشکی نیز استفاده شایان توجهی دارد (رنگ لباس جراحان) و در موفقیت-های جراحی مؤثر است.

موجب توانایی، نظم و جهت دادن در جنگها شده، قدرت جنگی و جنگجویی را بالا می برد. در محیط پیرامون خود اثر خاصی دارد، به طوری که سبزینه و کلروفیل در گیاه به منزله خون در بدن انسان است. به همین جهت در نمودارها، در ستون مربوط به رشد و ترقی از سبز استفاده می کنند.

تقویت کننده روحیه غرور و اعتماد به نفس و مبین فشار و کنشی است که هیجانات آن هنوز بروز نیافته، یعنی اخفا کننده است. بیانگر ایده آنها، آمال و آرزوهای جوانان و تحرک و بی باکی فراوان است. در لندن افرادی که بنا به دلایلی قصد خودکشی داشتند، از بالای پل سیاه خود را به داخل رودخانه خاکستری که به آرامی در جریان بود می انداختند و آسمان همیشه ابری نیز کمک بیشتری به این امر می کرد. پس از مدتی رنگ پل را به سبز تغییر دادند و این موضوع به نسبت قابل توجهی موجب کاهش خودکشی از روی این پل شد.

رنگ سبزی برای جلوگیری از اسهال و تهوع بخصوص در وسایل رفت و آمد مفید است. اما برای چشم مضر می باشد، یعنی باید درکنار این رنگ، رنگهای الوان باشد تا چشم آسیب زیادی نبیند.

"منابع و مآخذ"

- ۱- اثر رنگ، اتین، مترجم محمد حسین حلیمی، انتشارات ارشاد اسلامی
- ۲- برنامه های آموزش هنر برای معلمان، هادی هزاوه ای

مرگ والفا کننده تنهایی و عشق یزدانی و جاودانی است.

ضد آن رنگ زرد می باشد. میکروب کش است و برای افراد مالیخولیایی، افسرده و سوداوی مزاج مضر است، زیرا حالشان را وخیم تر می کند.

سبز

ترکیبی از زرد و رنگ اصلی آبی و زرد است. رنگ سبز بیانگر جوانی، ایمان، عشق، عقیده دینی، توکل، فنا ناپذیری، ابدیت، فعالیت، لطافت، تقدس، معنویات، غرور، تسلط و برتری است. نشانگر طراوت و تازگی، اعتقاد به محشر و قیامت و رستاخیز، تحرک و انرژی، آرامش و روشنی، رضا و امیدواری، بهار و دانش، خوشحالی و لذت است و رافع خستگی و نشاط آور می باشد. با خاکستری روبرو نیستی می رود. وهم آور و مالیخولیایی است و درکنار نارنجی شدیدترین اثر خود را داراست. رنگ نوجوانی و شروع و بیانگر سبزی و اعمال حیاتی در گیاهان است که معلول عمل فتوسنتز می باشد.

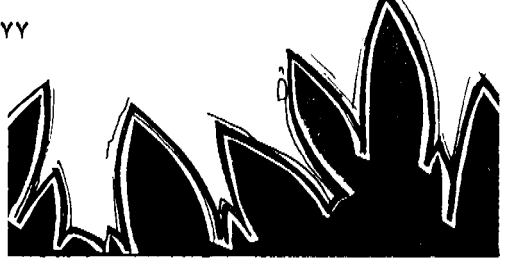
وقتی زمین را روشنی فرا می گیرد و ذرات آب و هوا در فضا معلق می شوند، وقتی عمل لقاح گیاهان و گرده افشانی آغاز می شود، رنگ سبز پدید می آید. رنگی برجسته و نمایان در میان تمام رنگها، که جهان آفرینش در یک سفره سبز رنگ گسترده شده است. آنچنانکه در کتاب آسمانی ما قرآن آمده است:

...وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خَضْرَاءَ... (سوره كهف، آیه ۳)

غَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ... (سوره دهر، آیه ۲۱)

مُتَكَبِّرِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ جِسَانٍ (سوره الزحمن، آیه ۷۶)

رنگ سبز برای بیماران عصبی و روانی مفید



فصل یونز
 نیک مردان کجاست ایمانند
 طالب رشدن انانند
 نل انان امیت یادانده است
 به ایمداست کاین برانده است
 اولیا و مریان هر سال
 بهر اشد کمال در اطفال
 به تفاهت هم چون سخن سازند
 بیریق معرفت برافزارند
 به تفاهم هر آنکده یاسند است
 فصل یونز فصل بخند است

خط کادو مجور

شعر محمد جواد

- ۳- تاریخ هنر، هو. جانسون، مترجم پرویز مرزبان.
 ۴- روان شناسی رنگها، ماکس بوشر
 ۵- روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۹ آذر سال ۷۱، شماره ۱۹۸۰
 ۶- مجلات تربیت، شماره های ۱ و ۲، سال ۷۱-۷۰
 ۷- نقاشی نوین، ای. رهسپر، انتشارات امیرکبیر

بقیه از صفحه ۲۵

تأثیر رادیو، تلویزیون و سینما در همانندسازی نوجوانان

علاوه بر نشریات مختلف، رادیو، تلویزیون، سینما و تئاتر نقشهای مهمی را در زندگی پسران و دختران ایفا می کنند. نفوذ آنها در رفتار دختران و پسران گاهی بیش از نفوذ خانواده و مدرسه است. به همین خاطر باید توجه داشت که تأثیر این عوامل وقتی سودمند و مفید خواهد بود که به طور غیرمستقیم هدفهای تربیتی جامعه را دنبال کند و محتوای آنها ناقص فعالیتها و اهداف مدارس و حتی دانشگاهها نباشد. برای این منظور باید بین اولیاء، مریان، مسؤولان رسمی آموزش و پرورش و مسؤولان اداره وسایل ارتباطات جمعی هماهنگی کامل وجود داشته باشد.

پاورقی:

- ۱- بنجامین اسپاک، پرورش فرزند در عصر دشوارما، صفحه ۲۱۵